



دربی مصاحبه هاشمی با روزنامه «شرق»

واکنش وزارت نفت به یک مصاحبه

گروه جامعه: در پی اظهارات رئیس محترم شورای شهر تهران درباره تعهد وزارت نفت برای تامین مالی طرح‌های توسعه حمل‌ونقل عمومی و مترو به اطلاع می‌رساند: «براساس ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور...

صفحه ۹

شنبه ۱۴ تیر ۱۳۹۹ - ۱۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ - ۴ جولای ۲۰۲۰

تیترها

بازگشت حاج احمد متوسلیان؟

صفحه ۲

سخنگوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی:

به دلیل ملاحظات امنیتی علت حادثه نطنز بعدا اعلام می‌شود

صفحه ۲

واکنش به گزارش «فرجام زم»

صفحه ۲

پوتین در همه‌پرسی تمدید قدرتش پیروز شد

تحقق رؤیای رئیس جمهوری ابدی

صفحه ۸



از احمده به تا قاب تلویزیون

سیروس در مکتب شاهین

صفحه ۱۱

حرف اول

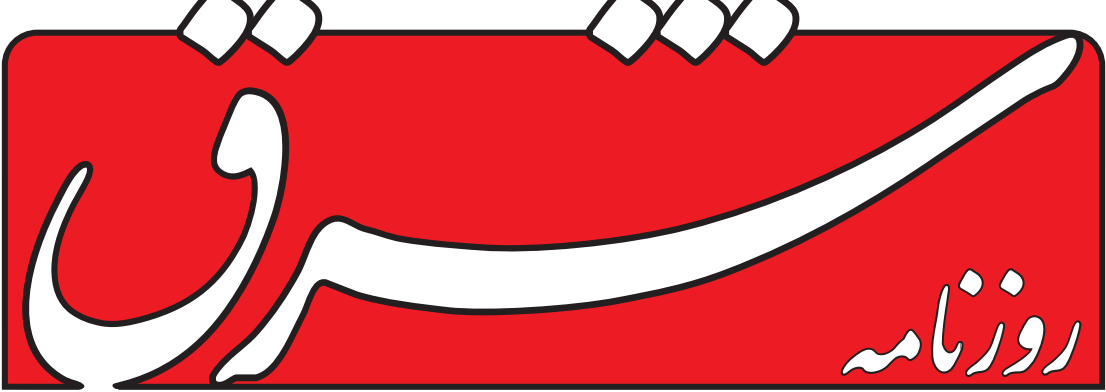
الزامات رسانه‌ها در میدان مبارزه با فساد

ناصر ذاکری - کارشناس اقتصادی



رئیس قوه قضائیه در نشست اخیر شورای عالی قضائی بر دو نکته مهم در عرصه مبارزه با فساد تأکید کرده: «برخورد جدی با هرگونه ناسلامتی در دستگاه قضائی» و «حمایت از گزارشگران فساد». بی‌تردید این تأکید و توجه، امید به برچیده‌شدن فساد و پایان دوران اقتدار مفسدان و صاحبان امضای طلائی را بررنگ‌تر می‌کند؛ زیرا مبارزه با فساد بدون برخورداری از دستگاه قضائی سالم و عاری از فساد بی‌نتیجه است و از سوی دیگر حمایت از گزارشگران فساد و به‌اصطلاح سوت‌زنان حاشیه‌اش این شبکه‌های فساد را از بین می‌برد. واقعیت این است که اجرای درست هر دو برنامه مهم اعلام‌شده در گرو حمایت از رسانه‌های مستقل و کمک به آنها برای ایفای نقش بهتر و جدی‌تر در میدان مبارزه با فساد است. رسانه‌ها می‌توانند با اطلاع‌رسانی به‌موقع عرصه را بر مفسدان تنگ کنند. اما حضور فعال رسانه‌ها در میدان مبارزه با فساد نیازمند حمایت جدی مسئولان امر و به‌ویژه دستگاه قضا است. باید با تدوین قوانین و مقررات جامع شرایطی را فراهم کرد که اصحاب رسانه بدون نگرانی به انتشار اطلاعات، کشف و شناسایی پرونده‌های فساد بپردازند و واژه‌های از پرونده‌سازی از طرف شبکه فساد نداشته باشند. به‌روشنی پیداست وقتی گروهی فرصت‌طلب با بهره‌گیری از موقعیت شغلی یکی از اعضای خود در فلان تشکیلات دولتی، به کسب ثروت در مقیاس نجومی می‌پردازند، انگیزه کافی دارند که برای حفظ این موقعیت و جلوگیری از فعالیت رسانه‌های مستقل و مزاحم مصمم به دردسرازی برایشان باشند. در چنین فضایی حمایت دستگاه قضا می‌تواند این‌گونه تلاش‌ها را خنثی کند. به بیان مختصر واژه مصونیت در میدان مبارزه با فساد یک واژه کلیدی است. در غیاب رسانه‌های مستقل، شبکه فساد از نوعی مصونیت برخوردار می‌شوند. زیرا می‌توانند بدون جلب توجه افکار عمومی به ارباب یا تطمیع مدیران ذی‌ربط بپردازند و کام‌به‌کام برنامه خود را پیش ببرند. برای درهم‌شکستن این مصونیت مضر، باید یک نوع مصونیت مفید را در جامعه گسترش داد و آن مصونیت رسانه‌ها از خطر پرونده‌سازی و گرفتاری قضائی است.

ادامه در صفحه ۴



روزنامه

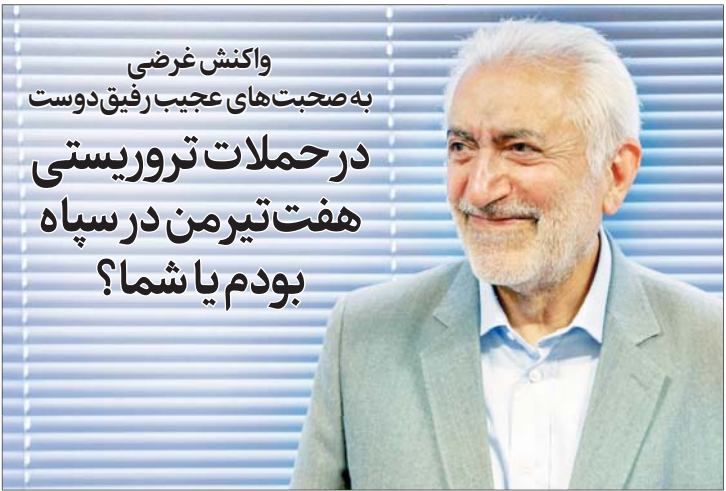
مؤیدی در گفت‌وگو با «شرق» از عدم مسامحه در مبارزه با قاچاق خبرداد

یقه آقا زاده‌ها را هم می‌گیریم

۲۰ هزار میلیارد تومان پرونده قاچاق در دستگاه قضا در حال رسیدگی است

این ستاد در همکاری با ۲۶ دستگاه عضو این ستاد، تلاش دارد سامانه‌ها و زیرسامانه‌های ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی را تا پایان سال تکمیل کند که زمینه‌های ایجاد پدیده قاچاق، تا حدود زیادی کنترل شود.

مشروح گزارش در صفحه ۴



واکنش غرضی به صحبت‌های عجیب رفیق دوست در حملات تروریستی هفت‌تیرمن در سپاه بودم یا شما؟

بودند، طبیعی بود که آقای هاشمی، منصوری و محمد منتظری به آقای منصوری رای دادند و به‌این‌ترتیب آقای منصوری فرمانده سپاه شد. او در ادامه صحبت‌هایش به مصاحبه اخیر رئیس اسبق بنیاد مستضعفان اشاره کرد و گفت: جناب رفیق‌دوست گفته‌اند که من برای بزرگان محافظ نگذاشتم اما در پاسخ باید بگویم اوایل انقلاب تروری در کار نبود. بعد از اینکه ترورها شروع شد، برای بزرگان حفاظت گذاشته شد اما من دیگر در سپاه مسئولیتی نداشتم. من هم متأسفم که چهار امام‌جمعه محترم شهید شدند؛ درحالی‌که محافظ نداشتند اما آقای رفیق‌دوست پاسخ دهد آیا در زمان وقوع حوادث تروریستی هفتم تیر و هشتم شهریور بنده مسئول بودم یا آقای منصوری مسئول بود؟ او افزود: وقتی من مسئول سپاه بودم، آقای رفیق‌دوست در این ارگان هیچ مسئولیتی نداشتند ولی در زمان آقای منصوری او در سپاه مسئول شد، بر همین اساس من از او می‌پرسم که چرا برای حزب جمهوری اسلامی و رئیس‌جمهور محافظ نگذاشتید؟

غرضی با اشاره به اینکه به عقیده بنده هرکس که در انقلاب کوچک‌ترین سهمی داشته باشد، به حدی که حتی یک مرتبه مرگ بر آمریکا گفته باشد، حفظ و صیانت شخصیت او بر من واجب است، افزود: اکنون با توجه به شرایط علاقه‌مند نیستم که جریان‌های ضدانقلابی را توضیح دهم و این ماجرا برماند برای روز قیامت. من ۶۰ سال سرباز انقلاب بوده‌ام و تا نفس دارم سرباز خواهم ماند و هرگز در دور باطل انداختن تقصیر به گردن دیگران وارد نخواهم شد.

وزیر دولت رجایی خاطرنشان کرد: انقلاب سر جای خودش هست و ادامه پیدا خواهد کرد؛ فقط می‌خواهم به مسئولان بگویم روز قیامتی هم دارند.

سیدمحمد غرضی، کاندیدای ریاست‌جمهوری دور دهم بعد از صحبت‌های رفیق‌دوست مبنی بر اینکه او مانع گذاشتن محافظ برای حراست از انقلابیون و شخصیت‌ها شده بود، درباره محافظت در اوایل انقلاب و تشکیل سپاه توضیحاتی را ارائه داد.وزیر نفت سال‌های ابتدای انقلاب در واکنشی منطقی به صحبت‌های عجیب رئیس اسبق بنیاد مستضعفان گفت: در دوم اردیبهشت سال ۵۸ به همراه مرحوم خانم دباغ خدمت حضرت امام (ره) رسیدیم و توضیح دادم که هیچ چیزی به‌جز کودتا در این شرایط انقلاب را تهدید نمی‌کند و بعد از این صحبت‌ها حضرت امام خمینی (ره) خواستند پیشنهاد من را بدانند که گفتم تشکیل تشکلی برای حراست از انقلاب که همان تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

وی افزود: بعد از صحبت‌های من با بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام بلافاصله به شورای انقلاب اسلامی دستور دادند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شود و نامه ایشان را مرحوم خانم دباغ به شورای انقلاب برد.

وی با اشاره به اینکه خانم دباغ همان موقع به بنده گفتند که رفتم شورای انقلاب نامه حضرت امام را به آقای شهید بهشتی دادم، درباره سخنانی که بین شهید بهشتی و خانم دباغ بیان شده بود، گفت: خانم دباغ توضیح داد که بعد از ابلاغ نامه امام (ره)، مرحوم بهشتی فرمودند که دستور امام روی چشم ما اما دادن نیروی مسلح به آدم سیاسی صلاح نیست و به‌این‌ترتیب سپاه تشکیل شد.

غرضی ادامه داد: بر همین اساس یک روز آقای هاشمی رحمة‌الله با شهید محمد منتظری و آقای منصوری به سپاه تشریف آوردند و گفتند که شورای انقلاب آقای منصوری را به‌عنوان فرمانده سپاه معرفی کرده است و اما الان در این‌باره رای‌گیری می‌کنیم. بر همین‌اساس از هفت نفری که در آنجا

بررسی ماجراهای اعتبارنامه جنجالی به روایت تاجگردون:

من هم اطلاعاتی از آقایان دارم اما نمی‌گویم



صفحه ۲

یادداشت

شرایط شکننده همسایه غربی

نیروهای غربی نیست. باید مراقب بود ترامپ که همواره دنبال نمایش مذاکره است، از گفت‌وگو با نخست‌وزیر عراق به دنبال ساختن برگ برنده در انتخابات نباشد. بازداشت فرماندهان کتاآب حزب‌الله از سوی سازمان مبارزه با تروریسم عراق، حرکتی بسیار ناستنچیده بود که حتما می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. اگر این حرکت با برنامه‌ریزی آمریکایی‌ها انجام شده باشد، می‌تواند در راستای ساروبوی انتخاباتی ترامپ تعبیر شود. چه این اتفاق با هماهنگی کاظمی و دستور وی رخ داده باشد چه نیروهای تحت نظر آمریکایی‌ها عملیات کرده باشند، نشان می‌دهد عراق و به‌خصوص نیروهای مسلح این کشور، یکدست نیستند و کاظمی با چالش‌هایی جدی مواجه خواهد شد. اگر نخست‌وزیر محدودکردن حشدالشعبی را هم در دستور کار داشته باشد، حتما می‌داند نیروهای مقاومت مردم عراق در جنگ با داعش توانستند از تمامیت ارضی عراق دفاع کنند و اجازه ندهند این کشور به جولانگاه داعش تبدیل شود. بنابراین از پشتوانه قوی مردمی برخوردار هستند. اگر کشورهای منطقه و غربی روی ایجاد بلوا در عراق و تنش بین نیروها حساب کرده‌اند، درگیری بین احزاب و گروه‌های عراقی بسیار بعید است و اگر بخواهد چنین موضوعی رخ دهد، قدر مسلم با توجه به اینکه حشدالشعبی از پشتوانه قوی مردمی بهره‌مند است، می‌تواند وارد عمل شده و به‌طور کامل اوضاع را تحت کنترل خود بگیرد و عراق را وارد دوران جدیدی کند.هدف اصلی مسئولان عراقی باید ایجاد کارآمدی در عراق باشد. هنوز هم اعتراضات مردمی عراق پابرجاست. باید گفت در بعضی از مناطق عراق شاهد آن هستیم که مردم نسبت به وضعیتی که دارند، معترض هستند. عراق دو دهه است که دچار فساد سیستماتیک است و که در ساختار حاکمیتی این کشور رخنه کرده و این موضوع سبب شده وضعیت معیشتی مردم این کشور رضایت‌بخش نباشد. زیرساخت‌های عراق شرایط بسیار بدی دارد و مسئله‌ای که باعث شد دولت قبلی عراق ناچار به استعفا شود، فساد، ناکارآمدی و مشکلات معیشتی و ضعیف‌بودن ساختار اقتصادی بود که مردم این کشور را به اعتراض واداشته است. باید دید کاظمی در این رابطه چه اقداماتی انجام خواهد داد و آیا متوجه شرایط خود و عراق و اولویت‌های مقطع فعلی خواهد بود یا اینکه در مسیر خواست ایالات متحده حرکت خواهد کرد.



صباح زنگنه تحلیلگر روابط بین‌الملل

اتفاقات اخیر عراق و مسئله روابط این کشور با ایران در دوران جدید و نخست‌وزیری مصطفی کاظمی، همچنان وضعیت مشخصی ندارد. ایران از انتخاب نخست‌وزیر با تفاهم گروه‌های عراقی حمایت کرده و می‌کند؛ چراکه ثبات در این کشور همسایه برای ایران بسیار مهم است و دلایل روشنی دارد. از سوی دیگر، غرب همان ابتدا از این انتخاب حمایت کرد؛ اما از سوی دیگر، کاظمی حمایت احزاب و پارلمان عراق را نیز با خود دارد و در شرایط خاصی که انتظارات بالاست و پس از اعتراضات مردمی، قرار است نفر اول اجرایی عراق باشد. اولین سفرهای خارجی او که قرار است ایران، عربستان و آمریکا باشد، نشان می‌دهد وی به خوبی از فضای جهانی و منطقه‌ای اطراف خود آگاه است. با توجه به حضور چندساله ایالات متحده در عراق، آنها ابزارهای متنوعی برای اعمال فشار به مسئولان عراقی دارند. یکی از این روش‌ها، تسلط آمریکا بر اموال عراق است؛ به‌طوری‌که بخش زیادی از درآمد فروش نفت عراق به حساب بانکی در آمریکا و از آنجا به بانک‌های عراق واریز می‌شود. بنابراین هر مقامی که در این کشور روی کار بیاید، باید بداند مسیر تأمین بودجه دولت وی چگونه است. از سوی دیگر، آمریکا پایگاه‌های نظامی زیادی در عراق داشته و به‌تازگی در کاری نمایشی، از برخی از آنها خارج شده یا آنها را به طرف عراقی تحویل داده است؛ درحالی‌که ظاهراً در پایگاه‌های کوچک‌تر ولی مجهزتر حضور دارند. پارلمان عراق مصوبه‌ای رسمی برای خروج نیروهای آمریکایی از عراق دارد و این نکته برای دولت، الزام به‌شمار می‌رود. به‌تازگی جلسه‌ای میان مقامات واشنگتن -بغداد برگزار شده و نخست‌وزیر از آن به‌عنوان آغاز گفت‌وگو درباره وضعیت نیروهای آمریکایی در بغداد نام برده است. اینکه در مقطع حمله داعش به عراق و درگیری‌های این کشور، دو وزیر امور خارجه وقت دولت عراق در نامه‌هایی از سازمان ملل و آمریکا برای حضور نیروهای نظامی به منظور مقابله با داعش دعوت کردند، صرفاً برای آن قطع بوده و در شرایط فعلی نیروهای مسلح عراق بر شرایط مسلط هستند و نیازی به ماندن

شریف‌زادگان در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

مشروعیت مداخله دولت در بازار اجاره مسکن

گروه سیاست: افزایش کنترل‌ناپذیر و شتابان قیمت مسکن سبب شد دولت به این بازار به‌شکلی دستوری ورود پیدا کند. تعیین سقف افزایش قیمت برای اجاره‌بها، اگرچه سیاستی حمایتی تلقی می‌شود، اما باید دید در یک بازار کاملاً خصوصی...

صفحه ۵

سال هفدهم - شماره ۳۷۵۷ - موقتا ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

هژمونی از دست‌رفته

احمد غلامی - سردبیر



هژمونی «طبقه متوسط» از دست رفته است؛ طبقه‌ای که در ظهور و افول دولت‌های بعد از انقلاب نقش اساسی داشته است. پیش از دولت هاشمی‌رفسنجانی، خرده‌بورژواها در سیاست و اقتصاد، حضوری تعیین‌کننده داشتند؛ اما دولت سازندگی بود که این طبقه را کدگذاری کرد و با شعار تخصص به‌اضافه تعهد، آن را در میدان سیاست عملیاتی کرد. پیش از انقلاب امیرپرویز پویان با تأکید بر جنگ مسلحانه به رفیق خود مسعود احمدزاده گفته بود هرکس هدایت این طبقه (خرده‌بورژوا) را بر عهده بگیرد، در آینده از مؤثرین انقلاب خواهد بود؛ اما طبقه متوسط دولت سازندگی از جنم دیگری بود و پیش از آنکه با دیدگاه‌های مارکسیستی قرابت داشته باشد، «توکویلی» بود. طبقه متوسط دولت سازندگی می‌خواست بین دولت و جامعه توازن برقرار کند و مانند شبکه‌ای منسجم دولت‌هایی را بر سر کار بیاورد که با سیاست‌های دولت سازندگی همسو باشند. بی‌دلیل نبود که مهاجرانی، نگران از به سرانجام نرسیدن این پروژه، تمدید ریاست‌جمهوری هاشمی‌رفسنجانی را پیشنهاد داد که با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شد. با همه اینها در دوره چهارساله دوم دولت سازندگی، توسعه اقتصادی جایگزین توسعه سیاسی شد و تعبیر توکویل از طبقه متوسط که براساس شکل‌گیری «جامعه دموکراتیک» صورت‌بندی شده بود، به دست فراموشی سپرده شد. برخلاف نظر توکویل، نه‌تنها طبقه فرودست و فرادست برای احیای طبقه متوسط کوچک نشدند؛ بلکه برعکس، طبقه فرادست با رانت‌های دولتی فره شد و فرودستان با سلب مالکیت از آنان از طریق خصوصی‌سازی و کاهش تعهدات دولت به مردم، سرخورده و منزوی شدند. اگر راست‌گرایان سنتی (اصولگرایان امروز) در آن زمان در مسائل سیاسی و اجتماعی سنجیده عمل می‌کردند، بعید بود دولت خاتمی یا به عرصه سیاست بگذارد. درواقع دولت اصلاحات نام دیگر دولت سازندگی است. با این تفاوت که سیدمحمد خاتمی یازل مغفل ایدیه توکویل را در جای خودش نشاند و جامعه دموکراتیک را با جامعه مدنی این‌همان کرد و به دست منتقش‌برنگیز شد؛ بلکه در طبقه متوسطی که به تعبیر توکویل، بزرگ‌شدن و کنترل باورهای آن، راه گذار به دموکراسی است. دولت اصلاحات، سرآغاز جدی اختلافات است؛ زیرا در دولت اصلاحات بود که طبقه متوسط رفته‌رفته به ایدئولوژی طبقه متوسط بدل شد. این ایدئولوژی نه‌تنها در جناح‌های داخل نظام منقش‌برنگیز شد؛ بلکه در میان روشنفکران با گرایش‌های مارکسیستی نیز اختلاف نظر به وجود آورد. در آن زمان برخی چهره‌های چپ‌گرا از دولت اصلاحات به‌ویژه خاتمی حمایت می‌کردند و باور داشتند با احیای طبقه متوسط می‌توان به جامعه بایئات و دولتی قانوتنمند رسید. این دیدگاه، چپ‌گرایانی را که به مبارزه طبقاتی و طبقه کارگر اعتقاد داشتند، خشمگین می‌کرد. از سوی دیگر، نزدیکی لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها به دولت خاتمی، راست‌گرایان سنتی و نهادهای رسمی را نگران کرد و با این اوصاف، دولت اصلاحات روزگار پُر تلاطمی را پشت سر گذاشت. مخالفان دولت خاتمی حالا بیش از گذشته طعم آشی را که هاشمی‌رفسنجانی برایشان پخته بود - طبقه متوسط - می‌چشیدند. مخالفان می‌دانستند اگر بگذارند در بر همان پاشنه بچرخد، این طبقه که از زیر قیای دولت سازندگی بیرون آمده و در دولت خاتمی از سوی اصلاح‌طلبان ایدئولوژیک شده، دولت‌های بعدی را نیز بر سر کار خواهد آورد. ایدئولوژی طبقه متوسط که کارکردش به تعبیر کمال خسروی «ممکن‌کن کل» است، با ملاط طبقه متوسط و با شعار «توسعه سیاسی» و «گذر به دموکراسی» صورت‌بندی شد. دولت سازندگی و اصلاحات با شناخت توان طبقات تلاش کردند طبقه متوسط را جایگزین طبقه کارگر کنند تا با هژمونیک‌شدن این طبقه، قدرت را در اختیار داشته باشند. ازاین‌رو حامیان اصلاح‌طلبان را بیشتر صاحبان مشاغل، متخصصان، روشنفکران و کارمندان تشکیل می‌دادند. درواقع آنچه اصلاح‌طلبان به‌ویژه سعید حجاریان و در پس پشت آن حسین بشیریه راهبردی می‌کردند، چیزی نبود جز نظریه هانتینگتون مبنی بر اینکه طبقه متوسط می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد و شکاف طبقات فرادست و فرودست را به حداقل برساند و مهم‌تر از همه، از رهگذر طبقه متوسط موتور دموکراسی‌خواهی روشن شود. «بشیریه صراحتاً بر این نکته تأکید می‌کند که با شکل‌گیری طبقه متوسط، لیبرال‌دموکراسی محقق شده و ما از جامعه‌توده‌ای به جامعه مدنی خواهیم رسید».

ادامه در صفحه ۴

